

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض کردیم بحثی را که مرحوم شیخ انصاری در ذیل بحث فضولی آوردند دیگر این را ، چون بقیه ی مباحث فضولی را نخواندیم :

لو باع الفضولی مال غیره مع مال نفسه

یعنی اضافه ی بر اینکه ، نصفش فضولی است نصفش اصیل است ، این را ایشان مرحوم شیخ مطرح فرمودند و فرمودند به اینکه تارتا می گویم عقد فضولی باطل است و اخری می گویم عقد فضولی صحیح است با دو فرض صحبت کردند ، بله گفتیم ما به خاطر یک جهاتی خود کلام شیخ را بخوانیم .

بعد ایشان فرمودند اگر قائل به بطلان عقد فضولی هم باشد باز هم :

و الحكم فيه: الصحة ،

ولو عقد فضولی باطل باشد ؛

لظهور الإجماع ،

تعبیر ایشان کلمه ی ظهور ، این ظهور ظاهرا روی این جهت باشد که ممکن است بگویم این روایت که شما ذکر کردید این مساله از آن در نمی آید ، اجماع خیلی واضح نیست . یعنی این اجماعی که ادعا شده درست است شاید مبنی است بر اینکه فضولی صحیح باشد آخر ایشان فرض اولش این است که اگر فضولی باطل باشد ، شما دارید می گوید فضولی باطل است ، این دعوی اجماع که باع الفضولی مال نفسه مع مال غیره این شاید اجماعی اگر در مساله باشد این در جایی است که عقد فضولی را صحیح دانستند ، شما فرض می گیریم می گوید فرض می کنیم عقد فضولی باطل ، دقت کنید .

آن اجماع شاید این موارد را نگیرد این فرض شما این است ، اینکه ایشان می گوید لظهور الاجماع ناظر به این نکته است یعنی شیخ حواش جمع است که شما اگر گفتید ، مثلا در کتاب غنیه آمده ابن زهره که درست است این می گوید شاید نظرش به این است که در بیع

فضولی را درست می دانند نه بیع فضولی را باطل بدانند ، شما فرضتان این است که بیع فضولی باطل است ، فرض اینجا ، اینجا این جور فرض می کند .

جواب این مطلب را ایشان می گوید ، ظاهرش اجماعشان حاکی از این است که فرقی نمی کند ، این مطلبی که ایشان می گوید ، می گوید ظاهرش این است و من هم یک نکته ی دیگر را خودم اضافه کنم ، شاید نظر مبارک شیخ هم به این باشد خوب دقت کنید ، چون می گوید آقایان در این مساله به روایت صفار تمسک کردند ، مکاتبه ی صفار به امام عسکری نه امام هادی .

امام فرمودند در جواب صفار لا یجوز بیع ما لا یملک وقد وجب الشراء فی ما یملک ، ببینید لا یجوز بیع ما لا یملک ، یعنی فرض اول این است که بیع فضولی باطل است لا یجوز ، پس این روایت ، روشن شد چه می خواهم ؟ پس این روایت فرضش آن جایی است که ، چون شیخ فرض دیگرش این بود که بیع فضولی باطل باشد ، شاید بتوانیم بگوییم که این روایت ناظر به همین فرض است چون دارد لا یجوز بیع ما لا یملک و وجب الشراء فی ما یملک ، از اینکه امام یک جوری گفت لا یجوز و یکی گفت یجب ، و وجب الشراء فی ما یملک پس این می خورد

لذا مرحوم شیخ خیلی دقیق است انصافاً نگفت لاجماع ، این لظهور لاجماع دقت کردید ؟ چقدر شیخ دقیق عبارت را به کار برد که اجماع ظاهرش این است که شامل این فرضی را که من کردم می شود ، فرض ایشان اینکه ما فضولی را باطل بدانیم اصلاً ، بگوییم عقد فضولی باطل است این فرض ما

یکی از حضار : استاد اجماعش مدرکی نیست ؟

آیت الله مددی : آن بحث دیگری است اجماع مدرکی بحث دیگری است ، ایشان می خواهد بگوید این اجماعی که ابن زهره و اینها ادعا کردند

البته عرض کردم اینها روایت در مورد خاصی آمده اما حکمی را که آوردند مطلق است باع الفضولی مال نفسه مع مال غیره ، غرضم این کلمه ی لظهور لاجماع چرا شیخ اینجا با اینکه متعارف نیست کلمه ی ظهور را بیاورند می گویند لاجماع مثلاً ، لاجماع المحکی ، لاجماع المنقول ، لاجماع ... این طوری متعارف است دیگر اینکه کلمه ی لظهور لاجماع خوب دقت کنید . اگر مراد شیخ این باشد و شیخ این دقت را کرده انصافاً خیلی دقیق است انصافاً باید به ایشان گفت دست مرزاد یعنی انصافاً کار بسیار لطیف و دقیقی را انجام داده

است می خواهد بگوید این روایت موردش اصلا جایی است که ما فضولی را باطل بدانیم ، چون امام می گوید لا يجوز بيع ما لا يملك یعنی فضولی باطل ، و قد وجب الشراء .

پس این را باید با آن مساله ی چون بعد از این خواهد آمد که اگر فضولی را صحیح دانستیم جای بحث نیست دیگر نسبت به فضولی صحیح است نسبت به غیر فضولی ، نسبت به فضولی متوقف بر اجازه است ، نسبت به آن نیست .

لظهور الاجماع بل دعواه عن غیر واحد ،

که عرض کردیم ، لکن عرض کردیم مرحوم شیخ کمتر مناقشه می کند ، این بحث مناقشه ی در اجماع ، در اجماعات ، در اخبار این اصولا در شیعه خیلی زیاد نبود ، تقریبا می شود گفت اوائلش را در کلمات مثل علامه می بینیم خیلی ضعیف اما از آن قویتر در کلمات تا حدی مثل شهید اول و بهتر از او باز در جامع المقاصد ، جامع المقاصد انصافا در این جهت خیلی راه گشاست اما خیلی ضعیف است ، قوی ترین مناقشاتی را که در اجماع و غیر اجماع می بینیم باز هم دقیق ، دقیق نیست در کلمات مقدس اردبیلی است که دیروز عرض کردیم ایشان دارد .

ایشان برای اولین بار عرض کردم اینکه آقایان خواندند که مرحوم وحید گفته کبی جواده ، کبی یعنی به زمین خورده ، اسبش به زمین خورده این کلمه ، راست است ، چه دیده که به زمین خورده چون حرف های متقدمین را نقادی می کند خوب این نبوده ، متعارف نبوده است و انصافا خود این فکر ، فکر خوبی است حالا بتواند به آن نتیجه برسد یا نه و چرا آن ، آن بحث دیگری است اما اصل این فکر که یک مطالبی را به عنوان

و عرض کردم اجماعاتی که مثل مقدس اردبیلی و دیگران مثل مرحوم صاحب معالم و مثل مرحوم جامع المقاصد و تا شهید ثانی ، شهید ثانی خیلی ناظر به جامع المقاصد هست اما اسم نمی برد ، خیلی از جاهایی که در لمعه دارد و قیل در شرح لمعه برای جامع المقاصد محقق کرکی است ، خوب دقت کنید .

محقق کرکی ۹۴۰ - ۹۴۱ وفاتش است ، شهید ۹۶۶ یا ۹۶۳ شهادت ایشان است ، اسم نمی برد . چون محقق کرکی فقیه دربار صفویه در ایران بود ایشان هم خوب با این تشکیلات موافق نبود در شام ماند تا شهید شد اصلا نیامد ، حاضر نشد به ایران صفویه بیاید ، یک مقدارش به خاطر اختلاف مسلک بود غرض ، دیگر نمی خواهم خیلی باز صحبت بکنم .

غرضم به هر حال ، یک مقدار ، چند جا که در شرح لمعه دارد قیل ، قائلش همین جامع المقاصد است ، قائلش محقق ثانی است و انصافا هم مرد محققى است بحق يقال له محقق ، خیلی زحمت کشیده و مرحوم شیخ ابراهیم قطیفی رحمه الله علیهما باید گفت خیلی به ایشان تند شده است ، رساله ای دارد ، آن هم چون با دستگاه مخالفت بود اصلا می گوید این رفته در دستگاه سلطنت و فلان و مثل این علما عالم نیست این نه عالم است نه ورع دارد نه تقوا دارد خیلی تند شده انصافا خیلی از دایره خارج شده است ، مرحوم شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی

یکی از حضار : نسبت غلو به او دادند

آیت الله مددی : بله .

یکی از حضار : کرکی نسبت غلو داده

آیت الله مددی : نه غلو به ایشان نداده نه ، می گوید نه اصلا

یکی از حضار : غلو سیاسی

آیت الله مددی : ها از غلو سیاسی که این در دستگاه امرارفته و فلان و خیلی حتی بعضی جاها نفی علم و ورع و تقوا و خیلی تند است انصافش بینی و بین الله نسبت مخصوصا در این رساله ی خراجیه که دارد که چاپ شده است ، چون یک رساله ی خراجیه محقق کرکی دارد ، یک رساله ی خراجیه هم محقق اردبیلی دارد دو تا دارد ، یک رساله ی خراجیه هم شیخ ابراهیم قطیفی دارد انصافا مرحوم شیخ ابراهیم قطیفی مرد ملایی است ها یعنی خدای نکرده فحاشی نمی کند مرد ملایی است یعنی واقعا در آن حد ها هست که بتواند با مثل محقق ثانی شانه به شانه بشود ، شاخ به شاخ ، مرد کمی نیست مرحوم شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی مرد بسیار

و عرض کردیم اولین بار هم در شیعه تحف العقول وارد شیعه شد زمان ایشان است ، اصلا اولین عالم شیعه اسم تحف العقول بوده مرحوم شیخ ابراهیم قطیفی است قبل از ایشان اسم تحف العقول نیست یعنی حدود ۶ قرن از تالیف کتاب ، تالیف کتاب باید ۳۸۰ - ۳۷۰ باشد اما ایشان در سال ۹۵۱ وفاتش است یا ۵۳ ، ۶ قرن بعد ایشان کتاب را دیده کتاب را از شام آوردند از همین نصیری ها و علوی های شام کتاب برای آنها بوده است و ایشان نقل می کند ، ایشان اولین کسی است در شیعه که از تحف العقول نقل می کند و تصادفا خوب هم برخورد می کند خیلی خوب با کتاب برخورد می کند و بعد از ایشان کتاب فوق العاده مشهور می شود .

اصلاً مرحوم صاحب بحار و صاحب وسائل ، تحف العقول جزو کتب مشهوره آوردند ، این ۱۵۰ سال بعد از مرحوم شیخ ابراهیم قطیفی است ، یکصد و خورده ای سال بعد از شیخ ابراهیم قطیفی کتاب کاملاً در شیعه جا می افتد ، کتاب تحف العقول که ایشان آورده است ، مرد ملایی است ها اشتباه نشود چون خیلی تند شده به محقق کرکی من نمی خواهم به ایشان تند بشوم ، ایشان هم مرد ملایی است از همین رساله ی خراجیه اش مرد ملایی است در عین حال در حدیث در اصول در قواعد مرد فقیهی است انصافاً نمی شود انکار کرد اما این تعابیر نسبت به محقق کرکی از ایشان مناسب نبود .

علی ای حال عرض کردم که اجماعات اینکه مرحوم مقدس اردبیلی بیشتر مناقشه کرده است ، چون این اجماعاتی که ایشان بیشتر مناقشه می کند اجماعاتی است که یک مقدارش را سید مرتضی ادعا کرده یک مقدارش هم علامه ، اصولاً اجماعاتی که متاخرین ما دارند منشأش بیشتر علامه است خیلی دعوای اجماع می آورد ، دقت می کنید ؟ و این اجماع را تحقیق کردن

ولذا من دیروز عرض کردم انصافش اگر بخواهیم بررسی بکنیم اجماع در تاریخ تشیع افت و خیز دارد ، فراز و نشیب دارد

یکی از حضار : اجماعات شیخ طوسی هم از همین

آیت الله مددی : با سید مرتضی است ، اجماعات شیخ طوسی هم با سید مرتضی است

لکن شیخ طوسی عرض کردم چون شیخ الطائفه است روش قمی ها را هم اضافه کرده است دو تا روش ، یعنی مرحوم سید مرتضی اجماع را به تنهایی مدرک احکام اهل بیت می داند ، قمی ها اخبار را به تنهایی مدرک می دانستند مرحوم شیخ طوسی با هم جمع کرده است اجماع و اخبار . راهی هم که الان علمای ما می روند اخبار را می بینند عمل اصحاب را هم به آن اضافه می کنند دقت کردید ؟ این راهی که الان ما داریم می رویم بیشتر به همان راه شیخ طوسی می خورد ، یعنی نه اجماع تنها نه اخبار تنها ، هر دو را با هم جمع کردند هم اجماع را ببینیم عمل اصحاب را نگاه بکنیم هم روایت را ببینیم ، هم ملاحظه ی روایت بشود .

این راهی است که تقریباً شیخ طوسی ، نمی خواهم بگویم به این دقتی که من می گویم تقریباً شیخ طوسی رحمه الله رفته لذا هم به او شیخ الطائفه گفتند انصافاً هم شیخ الطائفه است ، این کتاب فهرست منتجب الدین از خاندان بابویه است دیگر منتجب الدین خودش ، از خاندان بابویه یعنی خاندان مرحوم صدوق نمی دانم ۱۶ تا ۲۱ نام می برد در کتاب فهرست اسم ایشان آمده ، هیچ کدامشان نزد شیخ مفید یا سید مرتضی درس نخواندند ، هیچکدامشان . نزد شیخ طوسی درس خواندند خبر علی ابی جعفر ، نزد شیخ مفید ، چون شیخ مفید هم با شیخ صدوق خیلی بد است ، سید مرتضی هم که مخالف است تماماً ، علی ای حال هیچ کدام از این خاندان بابویه که مرحوم

منتجب الدین در فهرستش نامشان را می برد و به عنوان فقیه هم می گوید همه شان روی ابو جعفر ، مرحوم شیخ طوسی ، این شیخ الطائفه بودنش برای همین ها هم هست ، تمام آن خاندان که نه نزد شیخ مفید درس خواندند نه نزد سید مرتضی ، چون این دو تا بد هستند با شیخ صدوق ، این دو تا حاضر نشدند اما درس شیخ طوسی را حاضر شدند ایشان اسم می برد ، علی ای نمی دانم ۱۶ تاست یا ۲۱ حالا من عددش را در ذهنم نیست ، شمردیم اما الان در ذهنم نیست عددش را حضور ذهن ندارم .

ایشان می گوید :

مضافاً إلى صحیحة الصفار المتقدمة ،

عرض کردم احتمالاً من دیروز عرض کردم یک اصطلاحی است که از این مثل زمان صاحب جواهر به بعد آمده قبلش هم داریم ، و یدل علیه قبل الاجماع و یدل علیه بعد الاجماع ، این اصطلاحی است . مرحوم شیخ می گوید :

و الحكم فيه: الصحّة؛ لظهور الإجماع،

بعد می گوید :

مضافاً ،

این اشاره به این است که هم اجماع هست و هم روایت ، نمی گوید وهو مستند الى هذا ، امثال مرحوم نائینی بنایشان به این است که اجماع ، دعوای اجماع بود ، روایت بود لا اقل محتمل المدرک ، اصاله ی اعتماد به روایت نکردند لا اقل محتمل المدرکیه است ایشان محتمل المدرکیه را هم حجت نمی داند چه برسد به آن که ، احتمال اینکه اصحاب از این صحیح صفار گرفته باشند احتمالش زیاد است لکن عرض کردم کسانی که ادعای اجماع کردند خیلی بعید است از صحیح صفار چون اینهایی که ادعای اجماع کردند یکی ابن زهره است که خیلی متاخر است ، کاشف الغطاء است که بدتر از او و در ریاض و جواهر هم که از همه شان بدتر .

علی ای حال این دعوای اجماع معلوم نیست که مستند به روایت بشود لذا ایشان جداگانه مرحوم شیخ جدا حساب کرد :

مضافاً إلى صحیحة الصفار المتقدمة ،

اگر زحمتان نیست این روایت صفار را یک بار دیگر بخوانید ، خواندیم یک بار دیگر حالا وسائل جلد ۱۲ چاپ قدیم این استخراجش

روی چاپ قدیم است ، چاپ مرحوم ربانی ، ابواب عقد البیع باب دوم ، ابواب عقد البیع این مکاتبات ، بله آقا ؟

یکی از حضار: فکر کنم تهذیب هم دارد، کافی هم دارد استاد.

آیت الله مددی: بله.

این به اصطلاح، من الان یک توضیحی عرض می‌کنم. من عرض کردم تولد علم، تولید علم، تولید حدیث در امامیه در شیعه از زمان امام سجاد اجمالا شروع شد لکن اصلش از امام باقر و صادق است، یعنی اگر بخواهیم حساب بکنیم تقریباً از سال ۸۰ تا ۱۵۰ این تولید علم است و بیش از ۹۰ درصدش در کوفه است ۶-۷ درصد بعد از کوفه بصره است، مختصراتی در مدینه است خیلی مختصر، مختصراتی هم در مثلاً آذربایجان و قم و اشاعره‌ی قم و اوائل اشاعره‌ی قم آنها خیلی کم است قابل حساب نیستند، عمده‌اش کوفه است دقت کردید؟ بعد از این مکتب بغداد شروع می‌شود از زمان موسی بن جعفر سلام الله علیه و مضایقاتی که برای حضرت بود اینها بیشتر دست به تنقیح احادیث گذشته زدند، تولید علم در این زمان داریم اما زیاد نیست، تا مکتب قم شکل گرفت، مکتب قم عرض کردیم از سال ۲۰۰ شکل گرفت تقریباً از زمان حضرت رضا، در مکتب قم ما تولید تا آخر تا بقیه الله، در مکتب قم بعد تولیدات علم در جای دیگر را بعداً صحبت می‌کنیم.

در مکتب قم تولید علم داریم عده‌ای از آن روایاتی است که سألتم ابالحسن رضا، سألتم الجواد، داریم ما یا سألتم الامام ابی الحسن الثالث، ابی الحسن الثالث حضرت هادی است. یا فرض کنید به وکیل مطلق حضرت هادی در بغداد حسن بن راشد ابو علی بغدادی بسیار مرد بزرگواری است فوق العاده مرد بزرگواری است از ایشان شنیدند، اینها تولید علم در مکتب بغداد، در مکتب قم یک مقدارش هم بعداً بغداد است، بیشتر و یکی از راه‌های تولید علم در قم توقیعات است اینها هم تولید علم است.

توقیعات هم همانطوری که سابقاً توضیح دادیم یک مقدارش برای خود قمی‌ها بوده یک مقدارش هم برای غیر قمی‌ها یک مقدارش برای خود قمی‌ها بوده است که نامه نوشتند به حضرت، البته در اینها ضعیف هم بوده صحیح هم بوده است. مثلاً محمد بن سنان به حضرت رضا این را مرحوم شیخ صدوق منفرداً نقل می‌کند کسی نقل نمی‌کند، باطل هم هست روشن نیست.

علی‌ای حال یک مقدارش این طوری است یک مقدارش نه صحیح و خیلی سلیم و خیلی جا افتاده است و یک مقدار زیادی هم جمع آوری است این هم اشتباه نشود. یعنی عده‌ای از علمای قم و غیر قم راه افتادند در دنیای شیعه، خوزستان، خراسان، کسانی که استفتاء از امام جواد، امام هادی، امام عسکری داشتند اینها را جمع آوری کردند، این استفتائات که اصطلاحاً توقیع به آن می‌گویند، اینها چند نفر هستند بعضی هایشان برای بغداد هستند محمد بن عیسی بن عبید ایشان بغدادی است اما کتابش را در ایران پخش کرد در قم

چون ایشان قم هم آمده است و قمی هم درشان هستند مثل عبدالله جعفر حمیری ، بعدها مقداری از این توقیعات را حتی در یک کتاب جمع کردند

یکی از حضار: حمیری قوی تر نیست اصلا ؟

آیت الله مددی: حمیری قوی است چرا .

این حمیری که توقیعات امام هادی را دارد ایشان عبدالله بن جعفر است اشتباه نکنید ، چون ما دو تا حمیری داریم هر دو از مشایخ بزرگ قم هستند پدر و پسر ، پدر عبدالله است پسر هم محمد است ، محمد استاد کلینی است کلینی وقتی می گوید محمد بن عبدالله همین مرادش همین حمیری پسر است این توقیعاتی که به امام زمان داریم برای پسر است محمد است . حمیری جمع کرده آن پدر است احتمال می دهیم شاید ، آن پدر است .

اما این حمیری که سوال کرده مفصل ترین توقیعاتی که ما الان داریم علی الاطلاق برای این پسر است .

یکی از حضار: قرب الاسناد برای پدر است

آیت الله مددی: قرب الاسناد برای پدر است ، قرب الاسناد برای عبدالله است و کلینی از ایشان حدیث نقل نمی کند امکان نقل به نظر من دارد نمی دانم چرا کلینی از ایشان نقل نمی کند از پسر ایشان نقل می کند ، پسر و پدر هر دو از اجلاء هستند طبعا پدر جلیل القدرتر است مرحوم عبدالله بن جعفر حمیری از بزرگان است .

عده ای هم مجموعه ی این توقیعات را جمع کردند . یک کتابی هست در کتاب مستطرفات سرائر که ومن کتاب مسائل الرجال و مکاتباتهم ابی الحسن الثالث و اجوبتها ، این را بعضی ها آمدند مجموعه ، مثلا مجموعه ی حمیری و محمد بن عیسی و یک مجموعه هایی را باز با همدیگر ضمیمه کردند مثل این استفتائاتی که الان علما می نویسند استفتائات اجوبه ی استفتائات این توقیعات مثل همان اجوبه ی استفتائات است دقت کردید ؟ این در قم ما زیاد داریم و آن که از همه اش به اصطلاح معروف تر است فعلا و یکی اش توقیع معروف اما الحوادث الواقعة این برای قم است دیگر این را شخصی به نام اسحاق بن یعقوب گفته که برادر کلینی است ثابت نیست اما چون اسمش اسحاق بن یعقوب است و الا نکته ی خاصی ندارد که ایشان برادر کلینی باشد .

و اصولاً در روایات نقشی ندارد من در کتاب‌ها در احوالات امام هادی و عسکری یک دانه روایت از ایشان دیدم غیر از این توقیع مبارک تا آن جایی که من دیدم غیر از دو تا روایت چیزی از ایشان ندیدیم ایشان مجهول است یعنی شناخته شده نیست اما می‌گویند احتمالاً برادر کلینی باشد احتمالش هست اما نمی‌توانیم پیدا کنیم .

لکن از همه‌ی توقیعات معروف‌تر در قم که خیلی هم وضع روشنی دارد توقیعات صفار به امام عسکری است نه امام هادی ، مرحوم صفار محمد بن حسن صفار توقیعاتی دارد اسثله‌ای دارد از امام عسکری که این در اختیار قمی‌ها بوده هم کلینی از او نقل کرده هم شیخ صدوق از او نقل کرده است به نظرم شیخ صدوق یک عبارتی دارد که اصل کتاب نزد من است به نظرم

یکی از حضار : و فی توقیع من جملة توقیعاته انی بخطه علیه السلام فی صحیفته

آیت الله مددی : آها می‌گویم شیخ صدوق می‌گوید اصلاً نزد من موجود است دقت کردید ؟ این توقیعاتی است که مرحوم صفار صفار حدود ۲۹۹ - ۳۰۰ وفاتش است ، صدوق ۳۸۱ خیلی تاریخ زمانی فاصله‌اش زیاد نیست ، علی‌ای حال صدوق می‌گوید این توقیعات و در یک جا مرحوم صدوق به یک ، عرض کردم روایاتی را که صدوق از کلینی گرفته باشد احتمالاً چند تاست اما آن جاهایی که اسم برده ابو جعفر ، روی ابو جعفر محمد بن یعقوب ۵ تا یا ۶ تاست آنکه اسم برده است .

در یکی‌اش یا هفتمی یا ششمی می‌گوید روی ابو جعفر محمد بن یعقوب بعد می‌گوید و لا افتی بهذا الخبر ، همان جلد ۴ است به نظرم

یکی از حضار : و لا افتی بهذا الحديث و افتی بما عندی بخط حسن بن علی علیه السلام

آیت الله مددی : ها می‌گوید چون توقیع از امام عسکری آمده خلاف این

یکی از حضار : کما امر به الصادق علیه السلام دیگر باید ، لکان الواجب الاخذ بقول الاخير

آیت الله مددی : آها اصطلاح این شده که مرحوم صدوق اخذ به احدث می‌کند ، اصطلاحاً در باب تعارض اگر دیده باشید یکی از مرجحات احدث است اخذ به احدث این از باب مرجحات گرفتند اما صدوق از باب حجیت گرفته است یعنی اگر دو تا روایت بود هر دو هم معتبر بود یکی از امام صادق یکی هم از امام عسکری می‌گوید امام صادق فرموده خذوا بالاخیر ، اخیر یعنی احدث این تعبیر اخیر که ایشان گفته تعبیری نیست که الان در کتب اصولی ماست در کتب اصولی ما ترجیح به احدث ، الترجیح بالاحداث ، احدث یعنی امام متاخر

چون یک روایت واحده دارد که امام می گوید که اگر مطلبی را از امام شنیدی امام بعدی مطلب دیگری گفت به کدام یکی اخذ می کنم گفت کنت آخذ بالاخیر قال اصبت امام فرمودند درست است . این را صدوق قبول دارد همه ی فقهای ما قبول ندارند صدوق این را قبول دارد روشن شد ؟ اصطلاحا اخذ به احدث را قبول دارد این اصطلاح را بدانید چون فقط اینجا نیست این هم فقط اینجا نیست این هم سر، یعنی خیلی عجیب است صدوق چه دقتی دارد که اینجا روایت با اینکه در کلینی هست چون در توقیع صفار آمده من به توقیع صفار عمل می کنم چون خود ائمه علیهم السلام فرمودند به اخیر اخذ کنید ؛ این راجع به این مطلبی که حالا بخوانید توقیع را

آن وقت این توقیعات را عرض کردم اخیرا یکی از عزیزان ما یک رساله ای نوشته تمام این توقیعات را جمع کرده است در کتب اربعه کلا جمع کرده آن جاهایی که کافی افراد دارد آن جاهایی که صدوق ، انفراد صدوق بیشتر است ، در کل این توقیعاتی که ما داریم صدوق بیشتر نقل کرده است ، شاید کلینی و تهذیب مثل هم باشد شاید نمی توانم الان بگویم ، دیدم من اصلا آن رساله را خواندم اما یادم نیست الان عددش در ذهنم نمانده است اما دارند هر سه بزرگوار دارند اما آن که بیشتر نقل کرده مرحوم شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیه است و اینها جزو تولیدات قم است .

یکی از تولیدات بسیار بسیار خوب قم هم همین توقیعات مرحوم حمیری است ۷، ۸، ۱۰ صفحه است خیلی مفصل است ما به آن مقدار تفصیل توقیع نداریم ، توقیعات حمیری پسر محمد بن عبدالله بسیار مفصل است و چون حالا ممکن است ، آخر ما بعضی وقتها منتظر می شویم یک کسی بیاید یک نا اهلی یک شبهه ای بکند بعد جواب بدهیم خودمان از همان اول بدانیم چه کسی می خواهد شبهه بکند در آن توقیع شبهه ای که می شود کرد این است که صدوق در بخش توقیعات این را نیاورده است کلا ، اصلا صدوق مرحوم صدوق توقیعات حمیری را در بخش ، چون در کمال الدین بخش توقیعات دارد .

در کمال الدین آن توقیع حوادث واقعه را آورده است این توقیع را نیاورده است ، این توقیعی که برای حمیری عن صاحب الزمان است دقت کردید ؟ و خیلی هم مفصل است ۱۰ صفحه ، ۱۲ صفحه شاید هم بیشتر باشد خیلی مفصل است ، شیخ طوسی رحمه الله آورده در غیبت آورده در بخش توقیعات و الا صدوق ندارد ، کلینی هم طبعاً ندارد این اشتباه نشود خیلی ها اشکال می کنند چون آن توقیع معروف هم کلینی نقل می کند اما الحوادث الواقعة اما الان در کافی نیست ، یکی اشکال کرده این را من می گویم چون نوشتند این را که چاپ کردند بعضی از آقایان قم اشکال کردند که چرا در کافی نیامده است من این را توضیح می دهم ولو به درس ما مربوط نیست چون اینها دفاع از حدیث اهل بیت است . عرض کردم مرحوم کلینی اصلا باب توقیعات در کافی ندارد اصلا باب توقیعات ندارد .

یکی مولد المهدی دارد یکی هم تسمیه من راه ، در احوالات کتاب الحجة توقیعات امام زمان را کلا ندارد مرحوم کلینی چرا چون کتابی به نام رسائل الائمه دارد ، توقیعات را در رسائل الائمه آورده است آن کتاب فعلا دست ما موجود نیست تا قرن های مثلا سید بن طاووس از آن کتاب مستقیم نقل کرده است ، فکر می کنم پدر شیخ بهایی هم هست یکی دیگر هم مستقیم از کتاب رسائل الائمه ی مرحوم کلینی نقل می کند ، سید بن طاووس در کشف المحجة خودم دیدم نقل می کند مستقیم از کتاب رسائل الائمه ی مرحوم و احتمالا پیدا بشود ان شاء الله تعالی بین کتاب های خطی که اول و آخر ندارد پیدا بشود .

علی ای حال این اشتباه نشود که اگر کلینی نیاورده معنایش ضعف نیست آن حدیث از کلینی است لکن الان در کافی نیست ، احتمال دارد این هم مرحوم کلینی در کتاب رسائل الائمه آورده باشد . علی ای صدوق این را نیاورده ، کلینی این را که اصلا باب توقیعات ندارد ، صدوق این توقیع مفصل حمیری را نیاورده اما مرحوم شیخ طوسی آورده است و خود شیخ طوسی خوب حجة فی نفسه مضافا به اینکه عرض کردم در احتجاج طبرسی هم این را آورده کامل آورده از شیخ گرفته است .

یک بعضی جاهایش را هم شرح داده است مرحوم طبرسی در احتجاج و عرض کردیم کرارا مرحوم طبرسی در اول مقدمه ی احتجاج می گوید من احادیثی را می آورم که مورد اجماع اصحاب است خوب دقت کنید من احادیثی در این کتاب می آورم که اصحاب ما قبول کردند اگر مرسل هم باشد چون این عبارت را آورده عده ای معتقدند آنچه در کتاب احتجاج آمده قابل اعتماد است علی ای می خواهید عبارت مرحوم نجاشی راجع به محمد بن عبدالله را بیاورید این اشکال ممکن است به ذهن بعضی ها بیاید چطور می شود این برای محمد بن عبدالله استاد کلینی باشد و صدوق رحمه الله در بخش توقیعات آن را نیاورده است با اینکه خوب خیلی مهم است کتاب مربوط به امام زمان است خوب از این توقیع مهمتر پیدا نمی شود دقت کردید ، البته عرض کردیم ربطی به ما ندارد ها نه اینکه خیال کنید اما چون گفتم ممکن است یک شبهه یک وقتی در ذهن بعضی ها بیاید این برای دفع شبهه محمد بن عبدالله حمیری است یا یکی دیگر است بخوانید محمد بن عبدالله حمیری را مرحوم کلینی را

یکی از حضار : فقط اگر مشتمل بر اخذ به تاخیر و اینها هست باید فروع کافی می آورده چرا نیاورده

آیت الله مددی : در فروع نمی آورد چون رسائل الائمه جدا گانه آورده است .

یکی از حضار : خوب باشد در آن کتاب آورده ... در رسائل الائمه ما داریم عمل می کنیم .

آیت الله مددی : نه باشد ، چون یک باب دیگری آورده لازم نیست همه در یک کتاب ، چه دارد محمد بن عبدالله حمیری

حالا تا وقتی آقایان پیدا بکنند مرحوم نجاشی دارد یا شیخ دارد من نمی دانم ، نجاشی دارد ظاهرا از نقل از پسر ابن غضائری همین ابن غضائری که رجالی برای ایشان است احمد بن الحسین ، عرض کردیم این احمد بن الحسین یک شخصیت جنجالی بوده در بغداد حالا من نمی خواهم توضیحاتش را بدهم به قول مرحوم شیخ رفیق نجاشی است از بیچگی با نجاشی بوده بچه ی بغداد هستند هر دو بچه ی بغداد هستند

یکی از حضار: کاتب صاحب الامر

آیت الله مددی: کاتب صاحب الامر

یکی از حضار: کاتب صاحب الامر (علیه السلام) سألہ مسائل فی ابواب الشریعة قال لنا احمد بن الحسین

آیت الله مددی: ببینید قال لنا احمد بن الحسین ، یعنی مرحوم نجاشی از رفیقش احمد ، ایشان باید وفاتش حدودت ۴۱۰ و اینها چون پدر ایشان ۴۱۱ است ، شیخ یک عبارتی دارد مشعر می گوید و لم اخترن ، اختران در لغت عرب جوان مرگ ایشان جوان بود یعنی احمد بن الحسین جوان بود که فوت می کند . من عرض می کنم چون اینها یک چیزهایی می گوئیم که کسی دیگری نگفته است من برای اولین بار احتمال دادم که این را ترور کرده باشند ، اسماعیلی های مصر این را ترور کرده باشند ، چون کار احمد ، این رجالی که نوشته خیلی ضربه می زند به غلو سیاسی ، خیلی به غلو سیاسی ضربه می زند ، احتمالا که غلو سیاسی در آن زمان در مصر بود دیگر اسماعیلی های مصر بودند .

به هر حال ایشان بعد از صدوق است مسلما ، صدوق وفاتش ۳۸۱ است ، مرحوم نجاشی می گوید قال لنا احمد بن الحسین دیگر شهادت حسنی است ، دقت کنید ، بخوانید .

یکی از حضار: وقعت هذه المسائل إلي في أصلها والتوقعات بين السطور.

آیت الله مددی: اصلا خود کتاب را دیده حالا شیخ صدوق نیاورده باشد ، عرض می خواهم بگویم اگر ، بعضی ها ممکن است اعتراض بکنند چرا صدوق نیاورده است ، روشن شد ؟ کسی که بعد از صدوق آمده تقریبا ۳۰ سال بعد از صدوق هست می گوید اصلا اینها در اصلش نزد من است کتاب خطش را دیدم و توصیه می کند ، توجیه می کند .

چون توقیعات به این صورت بود اصلاً ده تا سوال بود بعد امام و اما و اما و اما ، یکی یکی جواب می داد بعدش امام ، توقیعات عده ای از آن این طوری بود سوال بود بین سطور جواب بین سطور بود این هم توضیح دقت کردید ؟ قال لنا احمد بن الحسين وقع هذا بخطه بخوانید یک بار دیگر

یکی از حضار : وقعت هذه المسائل إلي في أصلها والتوقيعات بين السطور.

آیت الله مددی : ببینید و التوقيعات ، دقیقاً روشن شد ؟ این شبهه که چرا صدوق ، حالا شاید اختیار صدوق بوده و اما این شبهه اساس یعنی این منشاء نشود که توقیعات حمیری رحمه الله ، روشن شد چه می خواهیم بگویم ؟ توقیعات حمیری از درجه ای اعتبار ساقط است به خاطر اعتراض صدوق ، چون بعد از صدوق اصل توقیعات موجود بوده است از بعد از صدوق اصل توقیعات ، یعنی چیزی در حدود ۱۰۰ سال بعد از خود حمیری ، حدود ۱۰۰ سال .

ایشان می گوید خود اصل را من دیدم علامتش هم توصیف می کند جواب امام ما بین سطور است نه اینکه جواب امام آخرش یک دفعه جواب بدهد ، بین هر مساله ، مساله مساله بین هر مساله بین سطور جواب امام است ، جواب ها را نوشته به این نحوی که بین سطور نوشته شده است ، بهترین دلیل ما بر حجیت کتاب توقیعات مرحوم حمیری هم همین است .

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين